

Removing or Authorizing the *Aghelah* Guarantee and Proposing the Replacement of the “Physical Injuries Compensation Fund Caused by Mistake Crimes”

Javad Rostami* | Department of Law Faculty of Law and Theology
Shahid Ashrafi Isfahani University, Isfahan, Iran.

Mohammad-Reza Shadmanfar | Assistant Professor of Criminal Law and
Criminology, Department of Criminal Law and
Criminology, Faculty of Administrative Sciences
and Economics, Isfahan University, Isfahan, Iran.

Abstract

One of the requirements and guarantees of the principle of neutrality is to conduct preliminary investigations by an independent judge and to distinguish the prosecutor from the investigating authority. In this regard, the investigator entered the structure of the department of justice and the powers of the prosecutor as a party to the criminal case have been limited to prosecution. Although the principle of impartiality and the necessity of observance of it in Article 3 of the Criminal Procedure Code of our country have been emphasized, but its requirements and aspects Particularly in the preliminary stage of the investigation, have been neglected. In the same way, prosecutors still have the power to investigate and arrest the defendants in a large number of crimes and the investigator does not have complete independence in conducting investigations. Despite the adoption of the judiciary system, in some crimes and in the District court, the system of public courts (all stages of proceedings by the judge of the unit) are applied, which is contrary to the principle of neutrality. In this article, the principle of neutrality and its components in the preliminary investigation and the degree of adherence of the legislator of our country to the requirements of this principle have been analyzed.


Keywords: *Aghelah* Guarantee, *Aghelah* Institution Doubts, Removing or Authorizing the *Aghelah* Guarantee, Physical Injuries Compensation Fund due to Mistake Crimes.

* Corresponding Author: Rostamyjavad7@yahoo.com


How to Cite: Rostami, J., & Shadmanfar, M. R. (2022). Removing or Authorizing the *Aghelah* Guarantee and Proposing the Replacement of the “Physical Injuries Compensation Fund Caused by Mistake Crimes”. *Journal of Criminal Law Research*, 11(40), 193-220. doi: 10.22054/jclr.2023.57292.2238.

حذف و یا اختیاری کردن ضمان عاقله و پیشنهاد جایگزین کردن «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی»

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران.

جواد رستمی * 

استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

محمد رضا شادمانفر 

چکیده

از جمله مواردی که قانونگذار، مسئولیت کیفری ناشی از فعل دیگری را پذیرفته است، ضمان عاقله می‌باشد که به موجب آن، عاقله مکلف است با وجود شرایط مقرر در قانون، دیه قتل و جراحات خطایی را از طرف مجرم خطاکار بپردازد. این شیوه جبران خسارت در نظام‌هایی که به صورت قبیله‌ای زندگی می‌کرده‌اند، فوایدی از جمله وحدت و تعاون بین اعضای قبیله را در پی داشته است. لیکن به نظر می‌رسد در حال حاضر و با توجه به ساختار اجتماعی جوامع ارگانیکی امروزی که از یک سو «مسئولیت فردی» در آنها مطرح است و از سوی دیگر، روابط خویشاوندی و حتی خانوادگی در آنها، روز به روز در حال هسته‌ای‌تر شدن است، وجود چنین ضمانی که برای سهولت ایجاد شده بود، گاه مشکل‌ساز نیز خواهد شد و به همین دلیل می‌توان اذعان داشت که ضمان مذکور کارایی دورانی گذشته را از دست داده است و باید با حذف و یا اختیاری کردن آن، از تأسیسی جدید و کارآمدتر تحت عنوان «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی» استفاده نمود.

واژگان کلیدی: ضمان عاقله، شبهات نهاد عاقله، حذف و یا اختیاری کردن ضمان عاقله، صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی.

مقدمه

مطابق ماده ۴۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، «عاقله عبارت از پدر، پسر و بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث است (...))»، که با وجود سایر شرایط مقرر در قانون، مکلف به پرداخت دیه از سوی جانی خطا کار می‌باشند. مسئولیت عاقله در پرداخت دیه در میان اعراب قبل از اسلام که به صورت قبیله‌ای و عشیره‌ای زندگی می‌کرده‌اند وجود داشته و یک راهکار مشکل‌گشا برای مجرمین به حساب می‌آمده است که نه تنها جرایم خطایی را شامل می‌شده، بلکه جرایم عمدی را نیز، به دلیل لزوم حفظ وحدت و انسجام میان اعضای قبیله، دربرمی‌گرفته است. همچنین میزان دیه در این جوامع، به عوامل متعددی از جمله قدرت قبایل در مقایسه با یکدیگر، جایگاه شخص مقتول و ... بستگی داشت که با ظهور اسلام و ایجاد چارچوب و قواعدی مشخص برای ضمان مذکور، از جمله یکسان‌سازی مقدار دیه برای هر فرد که عبارت از یکصد شتر بود مورد تأیید و امضای شارع مقدس نیز قرار گرفت.

ضمان عاقله در اغلب کتب فقه‌های شیعه مورد بحث قرار گرفته است و بر همین اساس، قانونگذاران کشورهای شریعت‌مدار، از جمله ایران که سعی در تطبیق قوانین با موازین فقهی داشته‌اند، عاقله را با وجود شرایطی، موظف به پرداخت دیه در جنایت خطایی کرده‌اند، در حالی که عملاً کمتر پیش می‌آید که نهاد مذکور به یاری مرتکب خطا کار بشتابد و به طرق مختلف از جمله طرح کردن عدم تمکن مالی (مواد ۴۶۹ و ۴۷۰ ق.م.ا)، از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند.

به همین دلیل به نظر می‌رسد، یا باید ضمان عاقله را همچون مواردی مانند عتق عبد که با گذشت زمان موضوعیت خود را از دست داده‌اند و به عبارت دیگر سالبه به انتفاء موضوع شده‌اند، غیر قابل اجراء دانست و یا آن را به صورت اختیاری مورد پذیرش قرار داد و در هر دو صورت فوق، به دنبال جایگزینی کارآمدتر، به عنوان منبع اصلی جبران خسارات خطایی باشیم که با وضع موجود در جوامع نیز منطبق‌تر باشد. برای رسیدن به این منظور، ابتدا به ذکر مختصری در مورد عاقله، افراد داخل در شمول عاقله و شرایط ضمان آن خواهیم پرداخت

و پس از آن طی شقوقی، شبهات نهاد عاقله را مطرح کرده و در پایان نیز با درک شرایط زمانی و مکانی، جایگزینی را برای ضمان مذکور پیشنهاد خواهیم کرد.

۱. عاقله و شرایط ضمان آن

در بند حاضر، نخست در مورد عاقله و افراد داخل در مفهوم آن سخن خواهیم گفت و پس از آن نیز به شرایطی که برای ضامن شدن عاقله توسط قانونگذار جمهوری اسلامی ایران مقرر شده می‌پردازیم و در پاره‌ای از موارد، جهت مقایسه ضمان عاقله در نظام عدالت کیفری ایران و یمن، اشاره‌ای گذرا به وضعیت ضمان مذکور در حقوق یمن خواهیم داشت.

۱-۱. عاقله

کلمه عاقله مفرد مؤنث است و تاء تأنیث آن به اعتبار جماعت است مانند جامعه و جمع آن عواقل است و از ماده عقل گرفته شده و در زبان عربی به معنای مانع و بستن و حفظ می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۱: ۹؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۴۴۱؛ طوسی، ۱۴۰۹: ق: ۱۷۳) و به «خویشان و نزدیکان قاتل (غیر مکلف به علت سفاهت یا عدم بلوغ و غیره) که دیه مقتول را بین ایشان قسمت کنند» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵۶۶۷) گفته می‌شود. در اصطلاح فقهی، مشهور فقهای امامیه و عامه، عاقله را مترادف با عصبه می‌دانند و از عصبه به معنای خویشان ذکور پدری و نیز پدری و مادری یاد کرده‌اند (خمينی، ۱۳۸۶: ۵۳۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۹: ق: ۵۰۸؛ عوده، ۱۳۹۰: ۶۹).

قانونگذار ایران، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در تعریفی که برگرفته از نظر امام خمینی^(ره) در تحریر الوسیله می‌باشد، عاقله را عبارت می‌داند از: «پدر، پسر و بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث (...)» (ماده ۴۶۸ ق.م.ا؛ طوسی، ۱۳۸۲: ق: ۱۲۸).

در رابطه با اینکه پدران هر چه بالا روند و پسران هر چه پایین روند، در عصبه داخل هستند یا خیر، میان فقها اختلاف عقیده وجود دارد، لیکن با توجه به اینکه معنای لغوی و عرفی عاقله، نزدیکان پدری را شامل می‌شود و نزدیکان مادری را شامل نمی‌شود، می‌توان

حذف و یا اختیاری کردن ضمان عاقله و پیشنهاد جایگزین کردن «صندوق...؛ رستمی و شادمانفر | ۱۹۷ |

نتیجه گرفت که قطعاً پدران و پسران داخل در عصبه می‌باشند (گرچی، ۱۳۷۵: ۲۶۲؛ احمد ادریس، ۱۳۷۷: ۲۳۲؛ عوده، ۱۳۹۰: ۶۹) لیکن خود قاتل و دیوانه و کودک و زن در مفهوم عصبه داخل نخواهند بود (نجفی، ۱۳۶۷: ۴۲۱). در حالی که در حقوق کیفری یمن در رابطه با اینکه قاتل خطاکار در هر موردی که عاقله عهده‌دار دیه شود، باید سهم خود را پردازد یا خیر؟ آمده است که در موارد پرداخت دیه توسط عاقله، جانی نیز همانند یکایک افراد عاقله و معادل یک نفر از آنان، باید سهم خود را پردازد^۱ (گرچی، ۱۳۷۵: ۲۶۲؛ عوده، ۱۳۹۰: ۶۹). ولیکن در حقوق ایران، همانطور که بیان شد، خود قاتل داخل در مفهوم عاقله نخواهد بود و بنابراین پرداخت چیزی از دیه را بر عهده نخواهد داشت.

۲-۱. شرایط ضمان عاقله

قانونگذار ایران، علاوه بر ماده ۴۶۸ ق.م.ا، که در آن به تعریفی از نهاد عاقله پرداخته است، در مواد دیگری از قانون پیش گفته، شرایطی را برای پرداخت دیه از طرف عاقله مقرر کرده که از جمله آن شرایط عبارتند از: جنایت خطای محض با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود و نه با اقرار مرتکب یا نکول او از سوگند و یا نکول از قسامه که در موارد اخیر، خود مرتکب موظف است دیه جنایت خطایی را پردازد (ماده ۴۶۳ ق.م.ا؛ عاملی، ۱۴۱۹ ق: ۲۲) هر چند، «هرگاه پس از اقرار مرتکب به جنایت خطایی، عاقله اظهارات او را تصدیق نماید، عاقله مسئول پرداخت دیه است (تبصره ماده ۴۶۳ ق.م.ا) همچنین زمانی که جنایت خطایی، با شهادت شهود ثابت شود، مرتکب می‌تواند عاقله را از پرداخت دیه معاف کرده و خود شخصاً عهده‌دار پرداخت دیه شود (نجفی، ۱۳۶۷: ۴۳۲).

«عاقله مکلف به پرداخت دیه جنایت‌هایی که شخص بر خود وارد می‌سازد نیست» (ماده ۴۶۵ ق.م.ا؛ خمینی، ۱۳۸۶: ۵۳۷). بدین ترتیب، در صورتی که مرتکب خودزنی یا خودکشی کند یا به پرداخت ارش (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۲۶۰) محکوم شود و همچنین زمانی که مالی به خطا تلف شود،^۲ عاقله هیچ تکلیفی به پرداخت نخواهد داشت بلکه

۱. به مواد ۷۲ و ۹۲ قانون جرایم و عقوبات یمن رجوع شود.

۲. به ماده ۴۶۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ رجوع شود.

مسئولیت نهاد مذکور تنها محدود به پرداخت «دیه در جرایم خطایی» با وجود سایر شرایط مقرر در قانون است.

عاقله در صورتی مکلف به پرداخت دیه می‌باشد که دیه از میزان خاصی بالاتر باشد که این میزان خاص عبارت از دیه موضحه می‌باشد (خوئی، ۱۴۲۸ ق: ۵۴۷؛ کلینی، ۱۳۸۸: ۳۶۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ ق: ۳۹۶؛ خمینی ۱۳۸۶: ۵۳۶)، یعنی دیه جراحاتی که از پنج صدم دیه کامل بالاتر است (ماده ۴۶۷ ق.م.ا؛ محقق حلی، ۱۳۸۸: ۵۳۰)، و بدین ترتیب، پرداخت دیه جراحات کمتر از موضحه، حتی اگر به صورت خطایی به وقوع پیوندد، از طرف خود مرتکب پرداخت خواهد شد.

علاوه بر موارد ذکر شده برای پرداخت دیه توسط عاقله، شرایط دیگری نیز باید وجود داشته باشند، از جمله: وجود نسب مشروع میان مرتکب و عاقله،^۱ عاقل و بالغ بودن عاقله، تمکن مالی در زمان پرداخت دیه و ... (مواد ۴۶۹ و ۴۷۰ ق.م.ا).

۲. شبهات نهاد عاقله

در این بند، نخست به عدم وجود نص راجع به مسئولیت عاقله خواهیم پرداخت، سپس مغایرت آن را با اصل شخصی بودن مجازات‌ها مورد بررسی قرار می‌دهیم و در پایان نیز به اختصاص عاقله به نظام قبیله‌ای می‌پردازیم.

۲-۱. فقدان نص راجع به مسئولیت عاقله

اگرچه روایاتی وجود دارند که بر ضمان عاقله در جرایم خطایی تأکید می‌کنند (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق: ۳۹۷؛ نجفی، ۱۳۸۴: ۴۳۷)، لیکن در «قرآن کریم»، نه تنها در آیه ۹۲ سوره نساء^۲ که بسیاری از فقها برای پرداخت دیه توسط عاقله بدان تمسک جسته‌اند، بلکه در هیچ یک

۱. به موجب ماده ۹۶ قانون جرایم و عقوبات، برای اینکه عاقله را مسئول پرداخت دیه و یا ارش بدانیم، وجود نسب مشروع میان مرتکب و عاقله وی ضروری نیست.

۲. وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يُقْتَلَ إِلاَّ خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلاَّ أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا.

از آیات دیگر آن نیز نمی‌توان حکمی را پیدا کرد که در مورد عاقله و پرداخت دیه توسط وی در جرایم خطایی سخن گفته باشد (حسینی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۸؛ گرجی، ۱۳۸۳: ۱۹۵؛ قاسم‌زاده و ره‌پیک، ۱۳۸۹: ۱۴۳-۱۴۲؛ الفاضل‌المقداد، ۱۴۲۸: ق: ۶۸۲-۶۸۰). «لکن معلوم نیست چرا برخی از فقها در خلال آیه قرآن مطلبی را گنجانده‌اند که در قرآن نمی‌باشد، چرا یک حکم را که خطاب و لفظی واحد دارد یک قسمت آن را از خطاب این حکم خارج کرده‌اند، و از خارج حکمی دیگر برای آن آورده‌اند؟» (حسینی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۸) در صورتی که «ظاهر آیه شریفه: «و من قتل مؤمناً خطأ فتحریر رقبه مؤمنه و دیه مسلمه الی اهله» این است که دیه در ذمه خود قاتل است» (گرجی، ۱۳۷۵: ۲۶۵). حتی در برخی از روایات نیز به طور صریح بیان شده که پرداخت دیه در قتل خطایی بر عهده خود جانی است که از جمله آنها می‌توان به صحیح زراره اشاره کرد که بیان می‌دارد: «سألت ابا عبدالله^(ع) عن رجل قتل رجلاً خطأ فی الشهر الحرام فقال: علیه الدية وصوم شهرين متتابعين من الشهر الحرام (...). بدین معنی که زراره از ابا عبدالله^(ع) از حکم مردی سؤال می‌کند که مرد دیگری را به خطا، در ماه‌های حرام کشته است و ایشان می‌فرمایند: بر اوست دیه و روزه دو ماه پی در پی از ماه‌های حرام. «ظاهر این حدیث این است که دیه در قتل خطایی حتی در قتل خطایی محض به عهده خود جانی است، مؤید این ظهور این است که در این روایت دیه و کفاره در یک سیاق قرار داده شده است» (گرجی، ۱۳۷۵: ۲۶۵). در نتیجه به نظر می‌رسد، همین عدم وجود نص راجع به ضمان عاقله بتواند قرینه‌ای باشد بر این موضوع که حکم به ضمان مذکور در آن دوران و زمانی که جوامع به صورت قبیله‌ای زندگی می‌کرده‌اند، به دلیل وجود شرایط خاصی که عبارت از زندگی قبیله‌ای و لزوم ایجاد و حفظ وحدت میان اعضای هر قبیله می‌باشد، بوده است.

۲-۲. مغایرت نهاد عاقله با اصل شخصی بودن مجازات‌ها

مطابق اصل شخصی بودن مجازات‌ها، هر کسی باید مسئول اعمال و رفتار خویش باشد و کسی را نمی‌توان به جهت رفتار دیگری مورد مؤاخذه و بازخواست قرار داد. به عبارت دیگر «هر انسانی مسئول رفتار خویش است و هیچ کس را نمی‌توان برای فعل یا ترک فعلی که

دیگری مرتکب شده است مسئول دانست» (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۱۲۸). اصل مذکور که یکی از پایه‌های اصولی و اساسی در حقوق کیفری مدرن است (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۱۵۷)، دارای ریشه‌ای قرآنی است، تا جایی که در قرآن کریم، پنج بار آیه «و لا تزروا وازرۀ و زر اخری» که به اصل شخصی بودن مجازات‌ها اشاره دارد تکرار شده است و آن پنج آیه عبارت هستند از: آیه ۶۴ سوره انعام، آیه ۱۵ سوره اسرا، آیه ۱۸ سوره فاطر، آیه ۷ سوره زمر و آیه ۳۸ سوره نجم.

به نظر می‌رسد، مغایرت و تضاد مسئولیت عاقله با اصل شخصی بودن مجازات‌ها^۱ را از دو جهت بتوان مورد بررسی و ارزیابی قرار داد:

جهت اول اینکه برخی از حقوقدانان، دیه را مجازات^۲ می‌دانند و معتقدند که حکم ضمان عاقله استثنایی است بر اصل شخصی بودن مجازات‌ها (شامبیاتی، ۱۳۸۲: ۲۵۸؛ گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۳۵۷؛ محمدی، ۱۳۹۵: ۶۳) که در آیات مختلفی از قرآن کریم نیز بدان اشاره شده است. هر چند عده‌ای دیگر از حقوقدانان بر این اعتقاد هستند که دیه ماهیتی مجازات گونه ندارد و تنها از باب جبران خسارت و غرامت (محمودی، ۱۳۶۵: ۱۰۹) است و در نتیجه، تحمیل آن بر عاقله در جرایم خطایی، خدشه و خللی به اصل مذکور وارد نمی‌آورد (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۱۶۹ - ۱۶۸). لیکن شاید بتوان اذعان داشت، دیه حد وسطی از مجازات و غرامت است که هم اوصاف مجازات و هم اوصاف جبران خسارت و غرامت را دارا می‌باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۲۱۴) که به نظر می‌رسد قانونگذار نیز طی دو ماده^۳ این موضوع را مورد اشاره قرار داده است.

جهت دوم اینکه زمانی که به بررسی پرداخت دیه توسط عاقله در جوامع قبیله‌ای می‌پردازیم، درمی‌یابیم که اگرچه برخی از فقهای شیعه بر این عقیده‌اند که از همان ابتدا، پرداخت دیه در جرایم خطایی متوجه عاقله است (ادریس، ۱۴۱۱ ق: ۳۳۳؛ محقق حلی، ۱۴۱۵ ق: ۲۷۳) لیکن نظریه مشهور میان فقها آن است که دیه از همان ابتدا، بر شخص مجرم

۱. به ماده ۱۴۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و همچنین ماده ۲ قانون جرایم و عقوبات، رجوع شود.

۲. به ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ رجوع شود.

۳. به مواد ۱۴ و ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ رجوع شود.

حذف و یا اختیاری کردن ضمان عاقله و پیشنهاد جایگزین کردن «صندوق...؛ رستمی و شادمانفر | ۲۰۱ |

تعلق می‌گیرد، ولی از باب تکلیف واجب است که عاقله از قَبْلِ شخص مجرم دیه را پرداخت کند (نجفی، ۱۳۶۷: ۴۴۵-۴۴۴؛ گرجی، ۱۳۷۵: ۲۶۶-۲۶۳؛ آیه ۹۲ سوره نساء؛ گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۳۶۰) و اگر عاقله که پرداخت دیه توسط او واجب شرعی است، آن را نپردازد، شرعاً حقی را ادا نکرده و فعل حرامی را مرتکب شده است. بنابراین، می‌توان بیان داشت که پرداخت دیه توسط قبیله و عشیره جانی در جرایم خطئی، به صورت اجباری، لیکن در راستای وحدت، انسجام و یکپارچگی قبیله و همچنین همکاری و مساعدت با شخص مرتکب صورت می‌گرفته و چنین اجباری باعث می‌شود که پرداخت دیه توسط عاقله را مغایر با اصل شخصی بودن مجازات‌ها بدانیم و این «اجبار و الزام» همان اقدامی است که به موجب قانون‌نویسی مقنن ایران نیز به قوانین جزایی ایران راه یافته و در نتیجه به نظر می‌رسد حتی اگر بتوان از ماهیت ایجادشده برای دیه (مجازات یا غرامت) توسط قانونگذار صرف‌نظر کرد، از اجبار ایجادشده برای عاقله در پرداخت دیه از طرف مرتکب خطاکار، بتوان به این نتیجه رسید که ضمان عاقله با اصل شخصی بودن مجازات‌ها در مغایرت می‌باشد.

۲-۳. اختصاص عاقله به نظام قبیله‌ای

مسئولیت عاقله در پرداخت دیه، به قبل از زمان ظهور اسلام در جزیره العرب برمی‌گردد. در آن دوران چنانچه قتل یا جرحی (اعم از عمدی و غیر عمدی) به وقوع می‌پیوست، از یک سو، تمام افراد قبیله جانی، خود را ملزم می‌دانستند که از فرد مجرم حمایت کنند و از سویی دیگر، تمام افراد قبیله مقتول نیز خود را مستحق می‌دانستند که قاتل و قبیله وی را نابود کنند. در این محیط پر از فقر مالی و فرهنگی که تعصبات قبیله‌ای در آن نقش مهمی را ایفا می‌کرد، «کافی بود که دو تن از افراد دو قبیله بر سر موضوعی به نزاع برخیزند تا به واسطه حمایت از آنها جنگ میان دو قبیله درگیرد» (ابراهیم حسن، ۱۳۷۱: ۳۸). به اعتقاد اعراب عصر جاهلیت، چنانچه کسی از حمایت هم‌قبیله‌ای خود کوتاهی کند، شرافت او لکه‌دار می‌شود و به همین دلیل بود که آنان در هر حال و تحت هر شرایطی، از هم‌قبیله‌ای خود حمایت می‌کردند. لیکن به دنبال خسارت‌های مالی و جانی فراوانی که در رهگذر جنگ‌های قبیله‌ای به وجود می‌آمد، میان قبایل اندیشه‌ای پدیدار شد که چگونه می‌توانند از این جنگ‌های لغو و

خسارت‌ها و مصیبت‌های ناشی از آن جلوگیری کنند. در این زمان بود که قبایل تصمیم گرفتند به جای خونخواهی و انتقام‌جویی، نظامی را جایگزین سازند که هدف اصلی آن، خشنود گرداندن و ایجاد رضایت خاطر برای مجنی‌علیه و قبیله وی باشد. به همین دلیل اعضای قبایل که دیگر نمی‌توانستند از نظر جنگی به هم‌قبیله‌ای خود خدمت کنند، تصمیم گرفتند که از نظر مالی او را مورد حمایت خود قرار دهند و این حمایت مالی چیزی نبود جز پرداخت شتر به مجنی‌علیه یا خانواده وی به عنوان غرامت و جبران خسارت.

لیکن به نظر می‌رسد، در حال حاضر و با توجه به نوع و ساختار شیوه زندگی در جوامع امروزی که روز به روز در حال هسته‌ای‌تر شدن و محدودتر شدن است، نمی‌توان به صرف وجود رابطه خویشاوندی که در ماده ۴۶۸ قانون مجازات اسلامی ایران و ماده ۹۱ قانون جرایم و عقوبات یمن، به آن اشاره شده است، عاقله شخص خطاکار را با وجود سایر شرایط مکلف به پرداخت دیه نمود، در صورتی که امروزه، عاقله به مفهوم واقعی آن وجود خارجی ندارد (عوده، ۱۳۹۰: ۷۳) و حتی اگر در اینکه پرداخت دیه توسط عاقله اختصاص به نظام قبیله‌ای دارد یا اینکه در همه جوامع و در همه زمان‌ها قابلیت اجرایی دارد دچار شک شویم، «مقتضای اصل عدم مسئولیت در صورت شک در مسئولیت این است که هیچ یک از بستگان جانی چنین مسئولیتی نداشته باشند» (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶: ۲۲۲). در نتیجه می‌توان اذعان داشت که به قول رنه داوید^۱ استاد حقوق تطبیقی دانشگاه پاریس، علت مسئولیت عاقله در زمان حاضر در بی‌علتی است (حسینی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۴) و به قولی، عاقله یادگاری از دوران قبیله‌ای است (احمدی، ۱۳۸۱: ۱۲) که در زمان حاضر و با توجه به حرکت ساختاری جوامع امروزی به سمت هسته‌ای شدن خانواده‌ها، نمی‌توان آن را همچون گذشته کارا دانست و بدون هیچگونه تغییری در آن، مورد استفاده‌اش قرار داد.

1. Rene Davaid.

حذف و یا اختیاری کردن ضمان عاقله و پیشنهاد جایگزین کردن «صندوق...؛ رستمی و شادمانفر | ۲۰۳ |

۳. کارایی، قلمرو، چگونگی تأمین مبلغ، محل تأسیس و مجری صندوق تأمین

خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی

در این بند، که در رابطه با تأسیس پیشنهادی مقاله حاضر می‌باشد، در ابتدا کارایی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس حدود و قلمرو تأسیس پیشنهادی مذکور، تحلیل و بررسی شده و در ادامه، در رابطه با چگونگی تأمین مبلغ صندوق عنوان شده سخن رانده خواهد شد و در پایان نیز، به محل تأسیس و مجری احکام صادره از دادگاه‌هایی که حکم به پرداخت دیه در جرایم خطایی از سوی صندوق مذکور می‌کنند می‌پردازیم.

۳-۱. کارایی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی

در صورت حذف و یا اختیاری کردن مواد مربوط به ضمان عاقله توسط قانونگذار ایران، می‌توان صندوقی را تحت عنوان «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی»، به عنوان منبع اصلی جبران خسارات خطایی تأسیس کرد که وظیفه آن پرداخت دیه از طرف مرتکب خطا کار باشد. صندوق مذکور، در واقع برگرفته از ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ و «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» می‌باشد. لیکن در مواردی، به برخی از مواد قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی مصوب سال ۱۳۹۹ که در جهت تأسیس صندوق مذکور و مرتبط با تأسیس صندوق پیشنهادی پژوهش حاضر باشد نیز اشاراتی خواهیم داشت. قوانین پیشین و به ویژه سازکارهای پیش‌بینی شده در آنها، خصوصاً در رابطه با صندوق تأمین خسارت‌های بدنی که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، می‌تواند به عنوان راهنمایی برای ترسیم و ایجاد صندوق جرایم خطایی از سوی قانونگذار مورد استفاده قرار گیرد تا اشتباهات احتمالی از کارایی چنین صندوقی را که عبارت است از تکلیف به پرداخت دیه در جرایم خطایی، به حداقل برساند.

بنابراین به نظر می‌رسد باید تدابیری اندیشیده شود که در صورت ارتکاب و وقوع جرمی خطایی، بدون ایجاد تکلیف قانونی برای عاقله در پرداخت دیه به شرح مقرر در ماده ۱۴۲ ق.م.ا، از یک سو، مجنی علیه و یا ولی دم وی در رسیدن به دیه مقرر دچار مشکل نشوند و از سوی دیگر، مرتکب نیز در زمان پرداخت دیه دچار مشقت و سختی نشود که به نظر می‌رسد استفاده از صندوق پیشنهادی پژوهش حاضر می‌تواند راه حل مناسبی در رسیدن به اهداف ذکر شده باشد. توضیح آنکه تأسیس صندوق مذکور و سازکارهای آن که در ادامه بیان خواهد شد، به دلیل ماهیت پرداخت از آن که ماهیتی وام گونه دارد، به طور غیر مستقیم، در کاهش ارتکاب اعمال خطایی مؤثر خواهد بود و همچنین، به اهداف امضاء ضمان عاقله از سوی شارع مقدس که همانا تعاون و همکاری و نصرتی است که دین مبین اسلام نیز به آن سفارش می‌کند، لطمه‌ای وارد نمی‌آورد، بلکه در پی آن اهداف، به طور گسترده‌تر و جامع‌تر، گام بر خواهد داشت و تنها تفاوت آن با ضمان عاقله را می‌توان در به روز بودن آن و ایجاد شده برای جامعه هدف، با در نظر گرفتن تغییرات و تحولات زمانی و مکانی بیان کرد.

۲-۳. قلمرو صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی

با توجه به اینکه هدف از تأسیس چنین صندوقی، تسریع و تسهیل در پرداخت دیه و جبران خسارت است، بدون آنکه مرتکب نیز هنگام پرداخت دیه در مشقت قرار گیرد و با توجه به اینکه مرتکب خطا کار، مبلغ پرداخت شده از سوی صندوق را به صندوق مقروض خواهد شد، به نظر می‌رسد بتوان قلمرو آن را نه تنها در موارد عام پرداخت دیه توسط عاقله که همان جنایات و جراحات خطایی می‌باشد دانست، بلکه در موارد خاص و استثنایی نیز که عاقله مکلف به پرداخت دیه از جانب مرتکب شده است (یعنی جنایت ارتکابی به وسیله افراد نابالغ و مجنون (بند ب ماده ۲۹۲ ق.م.ا) و همچنین فرار و مرگ جانی در قتل عمد در صورت عدم

۱. ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتکابی دیگری، مرتکب تقصیر شود».

حذف و یا اختیاری کردن ضمان عاقله و پیشنهاد جایگزین کردن «صندوق...؛ رستمی و شادمانفر | ۲۰۵ |

تمکن مالی وی (ماده ۴۳۵ ق.م.ا.)، می توان پرداخت دیه را بر عهده صندوق مذکور قرار داد. توضیح آنکه قانونگذار در بند ب ماده ۲۹۲ ق.م.ا، جنایاتی را که به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد خطای محض و حتی زمانی که عمدی باشد، در حکم خطا (طوسی، ۱۳۶۵: ۲۳۳) محسوب کرده و در نتیجه، در صورتی که موضعه و بالاتر باشد (ماده ۱۴۶۷ ق.م.ا؛ خوئی ۱۴۲۸: ۵۴۷؛ خمینی، ۱۳۸۶: ۵۳۶) عاقله را مکلف به پرداخت دیه کرده است (خمینی، ۱۳۸۶: ۵۳۵). فقهای امامیه مبنای این حکم را «معتبره اُبی مریم از امام صادق (ع)» ذکر کرده اند خوئی، ۱۴۲۸ ق: ۵۴۷) بدین شرح که حضرت فرمودند: «امیرالمؤمنین (ع) چنین حکم کرد که بر عاقله دیه ای تحمیل نمی شود، مگر دیه جراحات موضعه و جراحات های زیاده تر از آن» (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۶۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ ق: ۳۹۶). در حالی که در حقوق یمن، با توجه به ماده ۹۴ قانون جرایم و عقوبات، ارش (و نه دیه) باید از میزان خاصی بالاتر باشد که آن میزان عبارت از موضعه می باشد.

همچنین قانونگذار در ماده ۴۳۵ ق.م.ا، عاقله مرتکب قتل عمدی را که به علت مرگ یا فرار، به وی دسترسی نباشد و مرتکب نیز مالی نداشته باشد، مکلف به پرداخت دیه نموده است (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۶۵؛ گرجی، ۱۳۸۰: ۱۳۹؛ خوئی، ۱۴۲۸ ق: ۴۲۱) که در این مورد نیز می توان صندوق جرایم خطایی را مکلف به پرداخت دیه نمود. حال شاید سؤالی پیش بیاید که با توجه به اینکه عنوان شد، صندوق تأمین خسارت های بدنی ناشی از جرایم خطایی،

۱. ماده ۴۶۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیان می دارد: «عاقله، مکلف به پرداخت دیه جنایت های کمتر از موضعه نیست، هر چند مرتکب، نابالغ یا مجنون باشد.»

۲. ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیان می دارد: «هرگاه در جنایت عمدی، به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد، ولی دم می تواند دیه را از عاقله بگیرد (...).» در حالی که مواد ۲۵۹ و ۲۶۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، میان حالتی که مرتکب قتل عمد بمیرد و یا حالتی که فرار کند و تا هنگام مردن، دسترسی به وی ممکن نباشد، تفاوت گذاشته و در حالت اول، قصاص و دیه را ساقط کرده و در حالت دوم، یعنی فرار مرتکب و عدم دسترسی به وی تا هنگام مردن، قصاص را به دیه تبدیل کرده که از مال قاتل و در صورتی که قاتل مالی نداشته باشد از خویشاوندان نزدیک به او به نحو «الاقرب فالاقرب» که به نظر می رسد همان عاقله اند (گرجی، ۱۳۸۰، ۱۳۸)، پرداخت می شود و چنانچه نزدیکانی نداشته باشد یا آنها تمکن نداشته باشند، دیه از بیت المال پرداخت می گردد.

ماهیتی وام گونه دارد و مبلغ دیه را به صورت وام در اختیار مرتکب خطاکار قرار می دهد، چگونه در این حالت که از یک سو به مرتکب به علت مرگ یا فرار وی دسترسی نداریم، و از سوی دیگر، مرتکب نیز مالی ندارد، صندوق مذکور وارد عمل شده و به جبران خسارت از ناحیه مرتکب می پردازد؟ در پاسخ به این پرسش احتمالی، از یک سو می توان به ماده ۴۷۵ ق.م.ا اشاره نمود که بیان می دارد: «در جنایت خطای محض در مواردی که پرداخت دیه بر عهده مرتکب است اگر به علت مرگ یا فرار، دسترسی به او ممکن نباشد دیه جنایت از اموال او پرداخت می شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد دیه از بیت المال پرداخت می شود» و بنابراین در چنین حالتی که به مرتکب دسترسی نداریم و مالی هم از مرتکب شناخته نشده است، بیت المال به نمایندگی از جامعه وارد عمل شده و مطابق با ماده مذکور، به جبران خسارت از ناحیه مرتکب می پردازد. از سوی دیگر و با توجه به اینکه هدف از تأسیس صندوق تأمین خسارت های بدنی ناشی از جرایم خطایی را جایگزینی برای ضمان عاقله و پرداخت دیه در تمام موارد و جنایات خطایی عنوان کردیم بدون آنکه از دایره شمول تکلیف آن کاسته شود، نویسندگان حاضر، قائل به این نظریه هستند که حتی در موارد مذکور در ماده ۴۳۵ ق.م.ا نیز با توجه به قسمتی از ماده ۲۱۱ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ که بیان می دارد: «به منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، خسارت های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت (...) شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه (...) قابل پرداخت نباشد (...) توسط صندوق (...) پرداخت خواهد شد»، می توان صندوق تأمین خسارت های بدنی ناشی از جرایم خطایی را عهده دار پرداخت دیه دانست. علاوه بر این، در دیگر مواردی که بیت المال به موجب قانون مکلف به پرداخت دیه از طرف مرتکب خطاکار شده است و به جهت محدود نمودن «تکلیف» (محمدی، ۱۳۹۵: ۲۰۹) بیت المال به پرداخت دیه در جرایم خطایی، از جمله زمانی که قاتل خطایی عاقله ای نداشته باشد و یا عاقله وی ممکن مالی نداشته باشد و خود مرتکب نیز متمکن نباشد (ماده ۴۷۰ ق.م.ا؛ کلینی، ۱۳۸۸:

۱. ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۸۷، در این مورد بیان می داشت: «به منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث رانندگی، خسارت های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت (...) فرار کردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه (...) قابل پرداخت نباشد (...) توسط صندوق (...) پرداخت خواهد شد».

حذف و یا اختیاری کردن ضمان عاقله و پیشنهاد جایگزین کردن «صندوق...؛ رستمی و شادمانفر | ۲۰۷ |

۳۶۵؛ طوسی ۱۳۶۲: ۵۱۷؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۴۲۱) می‌توان صندوق مذکور را با سازکاری که در ادامه بیان خواهد شد، به عنوان مسئول پرداخت دیه معرفی نمود. هر چند در مورد اخیر که شخص مرتکب حضور دارد لیکن عاقله‌ای ندارد و خود نیز متمکن نمی‌باشد و با توجه به اینکه صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی، مبلغ دیه را به عنوان قرض^۱ و از جانب مرتکب به معنی علیه و یا ولی دم وی پرداخت می‌کند، می‌توان مبلغ پرداخت شده را طی اقساطی که میزان آن با توجه به وضعیت مالی مرتکب متفاوت می‌باشد، از مرتکب دریافت نمود و تنها استثنای آن را زمانی دانست که بازپس‌گیری مبلغ پرداخت شده از سوی صندوق جرایم خطایی، به علت عدم دسترسی به مرتکب قتل عمدی به جهت مرگ یا فرار و عدم تمکن وی ممکن نباشد (ماده ۴۳۵ ق.م.ا) که پیش از این و به مناسبت به آن اشاره کردیم.

۳-۳. چگونگی تأمین مبلغ صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی هر چند راه‌های مختلفی برای تأمین بودجه صندوق مذکور می‌تواند پیشنهاد شود ولی به نظر می‌رسد با توجه به شقوق «ج» و «ح» ماده ۲۴ قانون بیمه اجباری و تبصره ۳ آن، ماده ۴ قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی و همچنین پیشنهادهایی که در ادامه بیان خواهد شد، بتوان حداقل مبلغ مورد نیاز صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی را تأمین نمود. ماده ۲۴ قانون بیمه اجباری بیان می‌دارد: «منابع مالی صندوق به شرح زیر است: الف) ... ب) ... پ) ... ت) ... ث) ... ج) بیست درصد (۲۰٪) از کل هزینه‌های دادرسی و جزای نقدی وصولی توسط قوه قضائیه و تعزیرات حکومتی. چ) ... ح) کمک‌های اعطایی از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی ...». همچنین ماده ۴ قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی

۱. به موجب ماده ۶۴۸ قانون مدنی: «قرض عقدی است که به موجب آن احد طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعدر رد مثل قیمت یوم‌الرد را بدهد».

۲. ماده ۱۱ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری در این رابطه بیان می‌داشت: «منابع مالی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به شرح زیر است: الف) ... ب) ... ج) ... د) ... ه) ... و) بیست درصد (۲۰٪) از کل هزینه‌های دادرسی و جزای نقدی وصولی توسط قوه قضائیه (ز) ... ح) کمک‌های اعطایی از سوی اشخاص مختلف ...».

حوادث طبیعی مقرر می‌دارد: «درصدی از حق بیمه پایه از طریق درج در قبوض برق واحدهای مسکونی از مالکان آنها دریافت و به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود...». علاوه بر شقوق «ج» و «ح» ماده ۲۴ قانون بیمه اجباری و همچنین ماده ۴ قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی که می‌توانند در تأمین منابع مالی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی نیز مورد استفاده قرار گیرند، دولت می‌تواند برای «مدتی معین» و با هدف تأمین مبلغ مورد نیاز صندوق تأمین جرایم خطایی، مبلغی معین را به صورت «جداگانه» به قبوض صادرشده بیفزاید و یا برای «مدتی معین» و به صورت «جداگانه»، مالیاتی بیشتر از مالیات معمول بر بعضی از کالاها و اجناس پرترفدار از سوی مردم قرار دهد. استفاده از روش‌های پیشنهادی فوق، در عین اینکه به سرعت و سهولت باعث تأمین حداقل مبلغ مورد نیاز صندوق جرایم خطایی خواهد شد، مشقتی را نیز برای هیچ یک از افراد جامعه، به جهت ناچیز بودن مبلغ پرداختی آنها برای اختصاص به تأمین مبلغ صندوق مذکور ایجاد نخواهد کرد. همچنین، پس از تأمین مبلغ مورد نیاز صندوق جرایم خطایی، می‌توان به موجب ماده ۲۷ قانون بیمه اجباری و همچنین ماده ۱۲ قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی، صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی را با هدف «درآمدزایی» مجاز دانست که «موجودی نقدی مازاد خود را نزد بانک‌های دولتی سپرده‌گذاری و یا اوراق بهادار بدون خطر (ریسک) خریداری کند مشروط بر آنکه سرمایه‌گذاری‌های مذکور به نحوی برنامه‌ریزی شود که همواره امکان انجام تعهدات صندوق وجود داشته باشد». اقدام اخیر به موجب بند «ت» ماده ۲۴ قانون بیمه اجباری و همچنین بند «ب» ماده ۱۱ قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی، به عنوان یکی از راه‌های تأمین منابع مالی صندوق‌های تأمین خسارت‌های بدنی و بیمه همگانی حوادث طبیعی عنوان شده که این شیوه می‌تواند در جهت تأمین منابع مالی صندوق تأمین

۱. ماده ۱۲ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری بیان می‌داشت: «صندوق مجاز است موجودی‌های نقدی مازاد خود را نزد بانک‌ها سپرده‌گذاری و یا اوراق مشارکت خریداری نماید مشروط بر آنکه سرمایه‌گذاری‌های مذکور به نحوی برنامه‌ریزی و انجام شود که همواره امکان پرداخت خسارت کامل به زیان‌دیدگان مشمول تعهدات صندوق وجود داشته باشد».

حذف و یا اختیاری کردن ضمان عاقله و پیشنهاد جایگزین کردن «صندوق...؛ رستمی و شادمانفر | ۲۰۹ |

خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی نیز مورد استفاده و عمل قرار گیرد. حتی در صورت عدم توفیق در تأمین مبلغ مورد نیاز برای صندوق جرایم خطایی، به موجب تبصره ۳ ماده ۲۴ قانون بیمه اجباری که بیان می‌دارد: «در صورت کمبود منابع مالی صندوق، دولت موظف است در بودجه سنواتی سال بعد کسری منابع صندوق را تأمین نماید»، می‌توان دولت را به تأمین مبلغ مورد نیاز برای «شروع فعالیت» صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی مکلف نمود و در جهت تأیید این مطلب می‌توان به تبصره ماده ۳ قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی اشاره نمود که بیان می‌دارد: «سرمایه اولیه صندوق مبلغ پانصد میلیارد (۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال است که به عنوان کمک از محل بودجه عمومی دولت فقط در سال اول تأسیس، تأمین می‌شود».

حال شاید در مورد پیشنهادهای سطور فوق، سؤالی پیش بیاید که چگونه می‌توان افراد جامعه را به پرداخت مبلغی حتی اگر بسیار ناچیز باشد، برای تأمین مبلغ صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی ملزم و مکلف نمود؟ در پاسخ به این پرسش احتمالی، از یک سو می‌توان کل جامعه و کشور را «در حکم یک قبیله» در نظر گرفت که یکایک افراد داخل در آن، برای حفظ وحدت و عدم تزییع حقوق دیگران، ملزم و مکلف به همکاری و یاری رساندن به یکدیگر به خصوص در جرایم خطایی می‌باشند و از سوی دیگر نیز می‌توان بیان داشت که با توجه به اینکه اینگونه جرایم به دلیل صنعتی شدن جوامع، تقسیم کار به لحاظ پیچیده و فنی شدن مشاغل (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۹) و در نتیجه افزایش مناسبات و تعاملات افراد جامعه با یکدیگر، ممکن است برای یکایک اشخاص جامعه رخ دهد و با توجه به قانون بیمه اجباری که قانونگذار در ماده ۲ آن و قانون صندوق حوادث طبیعی که قانونگذار در ماده ۴ آن، مشابه چنین الزام و تکلیفی را پیش‌بینی کرده می‌توان دریافت مبلغ مذکور را از افراد جامعه توجیه نمود.

۳-۴. محل تأسیس و مجری صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی در رابطه با این بند، از یک سو می‌توان به ماده ۲۸ قانون بیمه اجباری که بیان می‌دارد: «صندوق، نهاد عمومی غیردولتی است و چگونگی اداره آن بر اساس اساسنامه‌ای است که

(...) به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی تهیه می‌شود و (...) به تصویب هیأت وزیران می‌رسد» اشاره نمود و از سوی دیگر، می‌توان به ماده ۲۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اشاره کرد که بیان می‌دارد: «به منظور پرداخت خسارت موضوع ماده (۲۵۵) این قانون، صندوقی در وزارت دادگستری تأسیس می‌شود که بودجه آن هر سال از محل بودجه کل کشور تأمین می‌گردد. این صندوق زیر نظر وزیر دادگستری اداره می‌شود و اجرای آراء صادره از کمیسیون بر عهده وی است». بنابراین و با توجه به ماده اخیرالذکر، می‌توان محل تأسیس صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی را وزارت دادگستری و مجری احکام صادره از دادگاه‌هایی را که حکم به پرداخت دیه جنایت خطایی از سوی صندوق مذکور می‌کنند، وزیر دادگستری دانست و یا با توجه به ماده ۲۸ قانون بیمه اجباری، محل تأسیس و مجری صندوق جرایم خطایی و چگونگی اداره آن را موکول به اساسنامه‌ای کرد که به پیشنهاد «وزیر دادگستری» تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

۴. اهداف تأسیس صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی

در بند حاضر، به ذکر و بررسی برخی از مهم‌ترین اهداف تأسیس چنین صندوقی از جمله روزآمد بودن و هماهنگی با مقتضیات زمانی و مکانی و اختیاری کردن پرداخت دیه در جرایم خطایی توسط عاقله (در صورت عدم حذف ضمان عاقله توسط مقنن) خواهیم پرداخت.

۴-۱. روزآمد بودن و هماهنگی با مقتضیات زمانی و مکانی

همانگونه که پیش از این نیز بیان شد، بسیاری از حقوقدانان و محققان بر این اعتقاد هستند که ضمان عاقله اختصاص به جوامع قبیله‌ای و عشیره‌ای دارد و حال که با گذشت زمان و تغییر در سبک، نوع و شیوه زندگی در جوامع امروزی، عاقله به معنای واقعی آن وجود ندارد،

۱. ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند با رعایت ماده (۱۴) این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.»

حذف و یا اختیاری کردن ضمان عاقله و پیشنهاد جایگزین کردن «صندوق...؛ رستمی و شادمانفر | ۲۱۱ |

باید به فکر تأسیسی جدید باشیم (عوده، ۱۳۹۰: ۷۳؛ مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶: ۲۲۳ - ۲۲۲؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۲۲۰) که در آن به مقتضیات زمانی و مکانی نیز توجه شده باشد و بتواند پاسخگوی نیازهای جوامع امروزی باشد.

بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به اینکه در جرایم رانندگی، صندوق تأمین خسارت‌های بدنی توانسته است جوابگوی حداقل نیازهای جامعه امروزی باشد، بتوان بیان داشت که صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی نیز که برگرفته از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی و تا حدودی صندوق بیمه حوادث طبیعی می‌باشد، بتواند از طرفی، با تسریع و تسهیل در دریافت دیه مقرر در قانون از سوی مجنی علیه و یا ولی دم وی، نه تنها موجبات تسلی خاطر آنان را فراهم آورد، بلکه در بازگشت وضعیت، به زمان قبل از وقوع جرم نیز مؤثر واقع شود و از طرف دیگر، به این جهت که دیه ابتدائاً از سوی صندوق جرایم خطایی پرداخت خواهد شد و پس از آن، مرتکب خطا کار دیه پرداخت شده را به صورت اقساطی که می‌تواند با توجه به وضعیت مالی مرتکب متفاوت باشد به صندوق مذکور برمی‌گرداند، (مگر در مواردی همچون ماده ۴۳۵ ق.م.ا)، می‌توان اذعان داشت که مرتکب در هنگام پرداخت اقساطی دیه، کمتر دچار مشقت و سختی خواهد شد. در حالی که اگر عاقله را ضامن بدانیم، فارغ از سایر مشکلات مربوط به ضمان عاقله از جمله اینکه ابتدائاً باید عاقله‌ای وجود داشته باشد، سپس آن عاقله در دسترس باشد و نهایتاً اینکه در مواعد پرداخت اقساط دیه متمکن باشد،^۱ عاقله پس از پرداخت دیه از سوی مرتکب خطا کار، حق رجوع به او را برای باز پس گرفتن آنچه به عنوان دیه داده ندارد، در حالی که «باز پرداخت» دیه از سوی مرتکب به صندوق جرایم خطایی می‌تواند به این دلیل که او در هر حال مرتکب قتل و یا جنایتی، هر چند به صورت خطایی شده است، به عنوان «تعزیر» وی مورد حمایت مقنن و در نتیجه مورد استفاده و عمل قرار گیرد.

۱. به مواد ۴۶۹، ۴۷۰ و ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ رجوع شود.

۲-۴. اختیاری کردن پرداخت دیه توسط عاقله در صورت اصرار قانونگذار بر ابقاء

عاقله

با پذیرش صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی به عنوان منبع اصلی جبران خسارات در جرایم خطایی، حتی در صورت اصرار مقنن مبنی بر باقی ماندن ضمان و نهاد عاقله در قوانین جزایی ایران، می‌توان انتظار داشت که قانونگذار کشورمان، با درک موضوع و فلسفه تأیید و امضای چنین ضمانی در جزیره العرب توسط شارع مقدس و با توجه به درک نوع و شیوه زندگی در جوامع امروزی، ضمان عاقله را به صورت «اختیاری» مورد تصریح قرار دهد و از اجبار و الزام قانونی در رابطه با ضمان عاقله صرف نظر کند. با پذیرش اختیاری کردن پرداخت دیه توسط عاقله، دیگر نمی‌توان ضمان مذکور را مخالف با اصل شخصی بودن مجازات‌ها (محمدی، ۱۳۹۵: ۶۳؛ شامیاتی، ۱۳۸۲: ۲۵۸؛ گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۳۵۷) دانست و انتقادی از این جهت، به ضمان مذکور وارد کرد. درست مانند زمانی که پدری بخواهد به اختیار و با رضایت خاطر و به دلیل مقروض نشدن پسرش به صندوق جرایم خطایی، دیه قتل یا جراحت خطایی ارتكابی از سوی پسرش را پرداخت کند و یا بالعکس.

نتیجه

تحولات روزافزون در عرصه‌های مختلف زندگی انسان‌ها و فاصله گرفتن جوامع امروزی از جوامعی که به صورت قومی و قبیله‌ای می‌زیسته‌اند، قانونگذار را ملزم می‌کند که همسو و منطبق با نیازهای جامعه خود، به قانونگذاری و نه قانون‌نویسی بپردازد. ضمان عاقله نیز از جمله مواردی است که شاید در گذشته‌های دور و به تناسب شرایط زندگی در آن دوران قابل استفاده بوده است، لیکن در حال حاضر نمی‌توان فایده جوامع قبیله‌ای را برای چنین ضمانی متصور شد. به همین دلیل در پژوهش حاضر، کوشیده شد از یک سو اثبات شود که ضمان عاقله اختصاص به جوامعی دارد که به صورت قبیله‌ای و عشیره‌ای اداره می‌شده‌اند و بنابراین قانونگذار نمی‌تواند به صرف روایات و تاریخچه ضمان مذکور لابه‌لای کتب فقهی و بدون در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی، ضمانی را دنبال کند که نه تنها آگاهی بسیار کمی میان عامه مردم در مورد آن وجود دارد، بلکه با توجه به هسته‌ای شدن خانواده‌ها در

حذف و یا اختیاری کردن ضمان عاقله و پیشنهاد جایگزین کردن «صندوق...؛ رستمی و شادمانفر | ۲۱۳ |

زمان حاضر، می‌توان اذعان داشت که مورد تأیید و مقبولیت عرف نیز قرار نگرفته است و از سوی دیگر نیز کوشیده شد، به ایجاد جایگزین جدیدی پرداخته شود که در عین روزآمد بودن و هماهنگی با نیازهای روز جامعه، از یک طرف، با سرعت بخشیدن و تسهیل در پرداخت دیه مقرر برای مجنی علیه و یا ولی دم وی، به تسلی خاطر آنان و بازگشت وضعیت، به زمان قبل از وقوع جرم نظر داشته باشد و از طرف دیگر، تا حد امکان، در زمان پرداخت دیه، به یاری مرتکب خطا کار ولی بی تقصیر بشتابد و پس از پرداخت دیه از طرف مرتکب، متناسب با وضعیت مالی وی، دیه پرداخت شده را به صورت اقساطی دریافت کند تا مرتکب نیز در مشقت و سختی قرار نگیرد.

لیکن متأسفانه قانونگذار ایران، از سرمایه گرانقدر و با ارزش فقه شیعه که همانا اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط و استفاده از علوم و فنون و تلاش در جهت پیشبرد آنها می‌باشد و در شقوق «الف» و «ب» بند ۶ اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز انعکاس یافته، در بسیاری از موارد غافل مانده است. و گرنه می‌توان ضمان عاقله و امثالهم را که با گذشت زمان یا موضوعیت خود را از دست داده‌اند، مثل عتق عبد، و یا مقبولیت و کارایی گذشته خود را از دست داده‌اند، مثل ضمان جریره و ضمان عاقله، از مواد قانونی حذف کرد و در پی یافتن جایگزین‌هایی باشیم که با شرایط زمانی و مکانی نیز هماهنگ‌تر و منطبق‌تر باشند، همچنانکه قانونگذار نیز در مواردی به این مهم پی برده و به عنوان نمونه و با وجود بیمه‌های متنوع، از ذکر ضمان جریره که شبیه یک قرارداد بیمه بود و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ وجود داشت، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به دلیل عدم مقبولیت و پذیرش در عرف، و در نتیجه عدم کارایی آن در زمان حاضر، خودداری کرده است.

Javad Rostami  <http://orcid.org/0009-0008-4657-8795>

Mohammad-Reza Shadmanfar  <http://orcid.org/0000-0003-3235-552X>

منابع

الف) فارسی

- ابراهیم حسن، حسن. (۱۳۷۱). *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ هفتم، تهران، انتشارات جاویدان.
- احمدی، ذکر الله. (۱۳۸۱). *نهاد عاقله در حقوق کیفری اسلام*، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ادریس، عوض احمد. (۱۳۷۲). *دیه*، ترجمه علیرضا فیض، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۵). *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، چاپ چهل و پنجم، تهران، نشر میزان.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۴). *ترمینولوژی حقوق*، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- حسینی نژاد، حسینقلی. (۱۳۸۹). *مسئولیت مدنی*، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- خمینی، روح الله. (۱۳۸۶). *تحریرالوسیله*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد چهارم، چاپ چهارم، قم، انتشارات دارالعلم.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*، جلد دهم، چاپ دوم از دوره جدید، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۸۲). *حقوق جزای اختصاصی*، جلد دوم، چاپ ششم، تهران، انتشارات مجد.
- عوده، عبدالقادر. (۱۳۹۰). *التشريع الجنایی الاسلامی مقارناً بالقانون وضعی*، ترجمه حسن فرهودی نیا، جلد ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات یادآوران.

حذف و یا اختیاری کردن ضمان عاقله و پیشنهاد جایگزین کردن «صندوق...؛ رستمی و شادمانفر | ۲۱۵ |

قاسم زاده، سیدمرتضی؛ ره‌پیک، حسن. (۱۳۸۹). *تبیان حقوق*، (پژوهشنامه قرآنی حقوق)، جلد سوم، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.

گرچی، ابوالقاسم. (۱۳۷۵). *مقالات حقوقی*، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

گرچی، ابوالقاسم. (۱۳۸۰). *دیات*، چاپ اول، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

گرچی، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). *آیات الاحکام حقوقی و جزایی*، چاپ دوم، تهران، نشر میزان. گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۳). *محشای قانون مجازات اسلامی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجلد.

محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۹۱). *قواعد فقه (۴) بخش جزایی*، چاپ بیست و پنجم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.

محمدی، حمید. (۱۳۹۵). *مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در حقوق کیفری ایران و مصر*، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.

محمودی، عباسعلی. (۱۳۶۵). *نظریه جدید درباره برابری زن و مرد در قصاص*، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت.

مرعشی شوشتری، محمد حسن. (۱۳۷۶). *دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام*، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.

میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۳). *جرایم علیه اشخاص*، چاپ هفدهم، تهران، نشر میزان. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۱). *جزوه جامعه شناسی جنایی (جامعه شناسی جرم)*، تهیه و تنظیم: مهدی صبوری پور.

(ب) عربی

ادریس، محمد بن منصور. (۱۴۱۱ ق). *السرائر حاوی التحریر الفتاوی*، جلد سوم، چاپ سوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین.

- حر عاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۴ ق). *وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، جلد بیست و نهم، چاپ دوم، قم، انتشارات مؤسسه آل بیت.
- خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۸ ق). *مبانی تکمله المنهاج (قصاص و دیات)*، چاپ سوم، قم، انتشارات امام خوئی.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن. (۱۳۶۲). *النهایه فی مجرد الفقه الفتاوی*، چاپ دوم، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن. (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه*، جلد دهم، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن. (۱۳۸۲ ق). *الخلاف*، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات تابان.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن. (۱۴۰۹ ق). *المبسوط فی فقه الاسلامیه*، جلد هشتم، چاپ اول، قم، المکتب المرتضویه.
- العاملی الشامی، زین الدین بن علی بن احمد «شهید ثانی». (۱۴۱۹ ق). *مسالك الافهام فی شرح شرایع الاسلام*، جلد ۱۵، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
- عاملی، محمد جواد. (۱۴۱۹). *مفتاح الکرامه*، جلد هفتم، چاپ دوم، قم، نشر اسلامی.
- فاضل، مقداد ابن عبدالله. (۱۴۲۸ ق). *کنز العرفان فی فقه القرآن*، چاپ سوم، قم، مکتب نوید اسلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۳۸۸). *الکافی*، جلد هفتم، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- محقق حلّی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن. (۱۳۸۸). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات استقلال (القسم الرابع).
- محقق حلّی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن. (۱۴۱۵ ق). *شرایع الاسلام*، جلد چهارم، چاپ اول، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۷). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، جلد چهل و دوم، چاپ سوم، تهران، کتابخانه الاسلامیه.

حذف و یا اختیاری کردن ضمان عاقله و پیشنهاد جایگزین کردن «صندوق...؛ رستمی و شادمانفر | ۲۱۷ |

نجفی، محمد حسن. (۱۳۸۴). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، جلد چهل و سوم، چاپ اول، تهران، دارالکتب السلامیه.

پ) قوانین

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ شمسی.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شمسی.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ شمسی.

قانون تأسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی مصوب ۱۳۹۹ شمسی.

قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ شمسی.

قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷ شمسی.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ و اصلاحات ۱۳۶۸ شمسی.

قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۰۷ الی ۱۳۱۴ شمسی.

ت) انگلیسی

Ibrahim Hassan, Hassan. (1992). *Political History of Islam*, translated by Abulqasem Payandeh, 7th edition, Tehran, Javidan Publications. [In Persian]

Ahmadi, Zekrollah (2002). *Aqeela (wise) Ego in Islamic Criminal Law*, 1st edition, Tehran, Mizan publication. [In Persian]

Edris, Awaz Ahmad (1993). *Wergild*, translated by Alireza Faiz, 1st edition, Tehran, Organization for Ministry of Culture and Islamic Guidance Publication and Printing. [In Persian]

Edris, Mohammad ibn Mansour. (1990). *Al-Sara'er Havi al-Tahrir al-Fatawi*, 3rd volume, 3rd edition, Qom, Jame'e Modarresin (Lecturers Society) Publications. [In Persian]

Ardebili, Mohammad Ali (2016). *General Criminal Law*, 2nd volume, 45th edition, Tehran, Mizan publications. [In Persian]

- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (2005). Terminology of Law, 12th edition, Tehran, Ganj Danesh Library Publications. [In Persian]
- Hor Ameli, Mohammad ibn al-Hassan. (1993). Wasael al-Shi'a ela Tahsil Masael al-Shariah (to achieve Islamic issues, 29th volume, 2nd edition, Qom, Al-Bayt Institute Publications. [In Persian]
- Hosseini Nejad, Hossein Qoli (2010). Civil Responsibility, 1st edition, Tehran, Majd Publications. [In Persian]
- Khomeini, Ruhollah (2007). Tahrir al-Wasilah, translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani, 4th volume, 4th edition, Qom, Dar al-Elm Publications. [In Persian]
- Khoyi, Seyyed Abulqasem (2007). Mabani Takmeleh al-Menhaj (retribution and wergild), 3rd edition, Qom, Imam Khoyi Publications. [In Persian]
- Dehkhoda, Ali Akbar (1998). Dehkhoda Dictionary, 10th volume, 2nd edition of the new era, Tehran, University of Tehran Publishing and Printing Institute. [In Persian]
- Shambayati, Houshang (2003). Special Criminal Law, 2nd volume, 6th edition, Tehran, Majd Publications. [In Persian]
- Toosi, Abu Jaafar Mohammad bin al-Hassan (1983). Al-Nahaye fi Mojarrad Fiqh al-Fatawi, 2nd edition, Tehran, University of Tehran Printing and Publishing Institute. [In Persian]
- Toosi, Abu Jaafar Mohammad bin al-Hassan (1986). Tahzib al-Ahkam fi Sharh al-Maqna, 10th volume, 4th edition, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiyah. [In Persian]
- Toosi, Abu Jaafar Mohammad bin al-Hassan (1962). Al-Khalaf, 3rd volume, 2nd edition, Tehran, Taban Publications. [In Persian]
- Toosi, Abu Jaafar Mohammad bin al-Hassan (1988). Al-Mabsut fi Fiqh al-Islamiyah, 8th volume, 1st edition, Qom, al-Maktab al-Mortazawiyah. [In Persian]
- Al-Ameli al-Shami, Zain al-Din bin Ali bin Ahmad "Secondary Martyr". (1998). Masalak al-Afham fi Sharh Shariah al-Islam, 15th volume, Qom, Institute of Islamic Teachings. [In Persian]
- Ameli, Mohammad Javad (1998). Miftah al-Karamah, 7th volume, 2nd edition, Qom, Islamic Publications. [In Persian]
- Odeh, Abdulqadir (2011). Al-Tashri al-Jenayi al-Eslami Mogharenan Belghanoon Vazi (Explanation of Islamic criminal law compared

- to the existing law), translated by Hassan Farhoudinia, 2nd volume, 1st edition, Tehran, Yadavaran Publications. [In Persian]
- Fazel, Meqdad Ibn Abdollah (2007). *Kenz al-Erfan Fi Fiqh al-Quran*, 3rd edition, Qom, Navid Islam School. [In Persian]
- Qasemzadeh, Seyyed Morteza; Rah Peik, Hassan (2010). *Explanation of Laws, (Quranic Law Research Book)*, 3rd volume, 1st edition, Tehran, Dadgostar Publications. [In Persian]
- Koleini, Mohammad bin Yaqub bin Ishaq (2009). *Al-Kafi*, 7th volume, 3rd edition, Tehran, Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Persian]
- Gorji, Abolqasem (1996). *Legal Papers*, 2nd volume, 2nd edition, Tehran, Tehran University Publications and Printing Institute. [In Persian]
- Gorji, Abolqasem (2001). *Wergilds*, 1st edition, Tehran, Tehran University Publications and Printing Institute. [In Persian]
- Gorji, Abolqasem (2004). *Legal and Penal Ayat al-Ahkam*, 2nd edition, Tehran, Mizan Publications. [In Persian]
- Goldouzian, Iraj (2014). *Anthology of Islamic Penal Code*, 3rd edition, Tehran, Majd Publications. [In Persian]
- Mohaghegh Helli, Abolqasem Najmuddin Jafar bin al-Hassan (2009). *Sharae al-Islam fi Masael al-Halal va Haram) Islamic Laws in Halal and Haram Issues*, 2nd volume, 2nd edition, Tehran, Esteghlal Publications (4th section). [In Persian]
- Mohaghegh Helli, Abolqasem Najmuddin Jafar bin al-Hassan (1994). *Sharae al-Islam (Islamic Laws)*, 4th volume, 1st edition, Tehran, Islamic Teachings Institute. [In Persian]
- Mohaghegh Damad, Seyyed Mustafa (2012). *Jurisprudence rules (4), penal section*, 25th edition, Tehran, Islamic Sciences Publication Center. [In Persian]
- Mohammadi, Hamid (2016). *Criminal Liability Resulting from Non-action in the Criminal Law of Iran and Egypt*, 1st edition, Tehran, Ganj Danesh Publications. [In Persian]
- Mahmoudi, Abbas Ali (1986). *A New Theory about Equality of Men and Women in Retribution*, 1st edition, Tehran, Besath Publications Institute. [In Persian]
- Marashi Shoostari, Mohammad Hassan (1997). *New Perspectives in Islamic Criminal Law*, 2nd edition, Tehran, Mizan publication. [In Persian]

- Mir Mohammad Sadeghi, Hossein (2014). Crimes Against Individuals, 17th edition, Tehran, Mizan Publications. [In Persian]
- Najafi, Mohammad Hassan (1988). Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharae al-Islam, 42nd volume, 3rd edition, Tehran, Islamic Library. [In Persian]
- Najafi, Mohammad Hassan (2005). Jawahar al-Kalam fi Sharh Shariah al-Islam, 43rd volume, 1st edition, Tehran, Dar al-Kotob al-Islamiyyah. [In Persian]
- Najafi Abrandabadi, Ali Hossein (2012). Criminal Sociology Booklet (sociology of crime), prepared and edited by Mehdi Sabouripour. [In Persian]

استناد به این مقاله: رستمی، جواد و شادمانفر، محمدرضا. (۱۴۰۱). حذف و یا اختیاری کردن ضمان عاقله و پیشنهاد جایگزین کردن «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی ناشی از جرایم خطایی». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۱(۴۰).
doi: 10.22054/jclr.2023.57292.2238.۱۹۳-۲۲۰



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی